



مدیرکل بهره‌یستی استان البرز گفت:

۲۸۳ پروژه بهره‌یستی البرز

آماده بهره‌داری شد

روزنامه مستقل
دنیای هوادار
www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

چهارشنبه ۲۵ تیر ماه ۱۴۰۲

شماره ۱۸۵۳

فروپاشی زیربنای کشاورزی، میراث و زیرساخت قزوین زیر ذره‌بین «دنیای هوادار»؛

دشتِ پِی تاب

روایتی از روزهای پراشوب پس از جنگ؛

آتش بس در میدان، نبرد

در سیاست

تأکید مدیریت بحران استان بر خلاصه‌سازی آمادگی نهادی؛

فقدان سند کاهش

خطرپذیری، بزرگ‌ترین

خطر پنهان البرز

یاد و خاطر شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی ۱۲

روزه رژیم جعلی بویژه ۱۱ سید مصطفی

میر غفاری ۱۱ گرامی باد



سرمقاله

بیعانه‌ای که به پهای زندگی تمام می‌شود؛

آگهی‌ها، رزمی‌اند!

مهدی صالحی

ماجرای ساده و آشناست: مردی بازنشسته، با امیدی ساده‌دلانه، می‌خواهد پاداش بازنشستگی‌اش را تبدیل به خودرو کند و از راه مسافرت‌های زندگی‌اش را بچرخاند. گویی را برمی‌دارد، وارد «بیوار» می‌شود، و با دیدن آگهی یک خودروی زیرقیمت و سوسه می‌شود. تماس، بیعانه، وعده دیدار... و بعد، سکوت. یک کلاهبرداری

دیجیتال دیگر به لیست بلندفرد فریب‌خوردگان افزوده می‌شود. این تنها یک روایت شخصی نیست، بلکه صدای خاموش صدها قربانی است که هر روز با وعده‌هایی و سوسه‌انگیز، سرمایه‌های خود را در این پلتفرم‌های آگهی آنلاین از دست می‌دهند. دیوار و شیپور، که زمانی نماد تسهیل‌گری در خرید و فروش بودند، حالا به بستری سهل‌الوصول برای شیادان بدل شده‌اند. آنچه باید ابزار رفاه باشد، برای برخی تبدیل به کابوس شده است. الگوی این کلاهبرداری‌ها تقریباً تکراری است اما همچنان کارساز: آگهی و سوسه‌انگیز با قیمت غیرواقعی، فروشنده‌ای که اصرار بر بیعانه دارد، تهدید به واگذاری کالا به فرد دیگر، و در نهایت قطع کامل ارتباط. از خودروی دست‌دوم و تلفن همراه گرفته تا تجهیزات کشاورزی و لوازم منزل، هر چیزی می‌تواند طعمه‌ای برای فریب باشد. و در این میان، احساسی‌ترین مخاطبان - از سالمندان گرفته تا کاربران کم‌سواد فضای مجازی - آسان‌ترین قربانیان هستند.

پلیس فتا بارها هشدار داده است که هرگونه پرداخت وجه پیش از رؤیت و احراز اصالت کالا می‌تواند زمینه‌ساز کلاهبرداری باشد. با این حال، آگهی‌های زیرقیمت، عکس‌های و سوسه‌انگیز و متن‌هایی که وانمود می‌کنند فروشنده «عجله» دارد، همچنان در حال جذب طعمه‌اند. در برخی موارد، حتی تجهیزات یا کالاهایی که اصلاً وجود ندارند، فقط با هدف اخاذی تبلیغ می‌شوند. البته

ماجرای فروش اموال سرقتی در این پلتفرم‌ها هم ابعاد امنیتی تازه‌ای یافته است. دزدان با درج آگهی‌های پرزرق‌وبرق، کالاهای مسروقه را به نام اجناس معمولی می‌فروشند و با استفاده از سیم‌کارت‌ها و حساب‌های بانکی اجاره‌ای، عملاً ردپایی هم از خود باقی نمی‌گذارند. این یعنی پلتفرم‌هایی که باید محل تبادل امن باشند، در مواردی ناخواسته به بازاری پولشویی و فروش اموال مسروقه تبدیل شده‌اند. سؤال اصلی اینجاست: مسئولیت این وضعیت با کیست؟ آیا صرف درج یک هشدار در پایین صفحه آگهی، از مسئولیت پلتفرم‌ها می‌کاهد؟ آیا وقت آن نرسیده که سازوکار دقیق، قانونی و هوشمند برای نظارت، احراز هویت، و ردیابی آگهی‌دهندگان اجرایی شود؟ کاربران حق دارند بدانند با چه کسی معامله می‌کنند، و پلتفرم‌ها نمی‌توانند پشت شعار «فقط واسطه‌ایم» پنهان شوند. در این میان، مسئولیت آگاهسازی عمومی نیز بر دوش نهادهای رسانه‌ای و آموزشی است. باید جامعه بیاموزد که هیچ قیمت ارزانی بدون هزینه نیست. باید در مدارس، مراکز خدماتی، رسانه‌های محلی و حتی تاکسی‌های اینترنتی، اصول «خرید امن» آموزش داده شود. همان‌طور که رانندگی بی‌کمربند امن نیست، خرید بدون رؤیت کالا و بدون احراز هویت فروشنده هم یک خودکشی مالی است. در نهایت، مسئله دیوار و شیپور، مسئله تکنولوژی نیست؛ مسئله مسئولیت است. اگر ابزارهای نوین زندگی را آسان‌تر کرده‌اند، وظیفه داریم که هوشمندانه‌تر از آن‌ها استفاده کنیم. اعتماد در اقتصاد دیجیتال، نه یک شعار، بلکه ضرورتی ملی است.

افراد مسلح در نیجریه ۲۷ نفر را کشتند

منابع محلی در نیجریه اعلام کردند که افراد مسلح در دوره تازه خشونت‌ها دستکم ۲۷ نفر را در ایالت «پلاتو» در این کشور کشتند. برخی منابع محلی سه‌شنبه گفتند که گروه‌های تبهکار و برخی دیگر نیز اعلام کردند که گله‌داران عامل این حمله بودند. به گفته آن‌ها، افراد مسلح با تفنگ و قمر به شهرک «جیوراهوس» حمله کرده و ۲۷ نفر را که اغلب آن‌ها زنان بودند به قتل رساندند. علاوه بر این، شماری دیگر نیز زخمی شدند اما از تعداد این مجروحان آماری منتشر نشده است. گروه‌های تبهکاری در سال‌های اخیر حملات خود را در شمال غرب و مرکز نیجریه افزایش داده‌اند. همچنین ایالت پلاتو نیز به محل مناقشه میان گله‌داران و کشاورزان تبدیل شده است.

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۳

دنیای سوادار

رویداد

حرف اول

روایتی از روزهای پراشوپس از جنگ؛

آتش‌بس در میدان، نبرد در سیاست

مهرداد تیموری

در میانه سکوت توپ‌ها و صدای سنگین آتش‌بس، برخی در داخل کشور به جای شنیدن طنین صلح، بانگ تخریب سر داده‌اند؛ نه علیه دشمن، که علیه دولتی که در میانه میدان ایستاد. آتش‌بس، آن‌گونه که در ادبیات امنیت ملی شناخته می‌شود، لحظه‌ای است برای بازآرایی قوا، ترسیم شکاف‌های اجتماعی و سیاسی، و بازسازی اعتماد عمومی. اما برای برخی سیاسیون، این آتش‌بس نه نقطه توقف خشونت، که بهانه‌ای برای تداوم جدال‌های سیاسی است.

مروری بر تحولات پس از جنگ ۱۲ روزه اخیر، ما را با یک پرسش اساسی مواجه می‌کند: چرا بخشی از نیروهای سیاسی کشور، به‌جای همکاری، درست در لحظه‌ای که کشور به بیشترین انسجام نیاز دارد، مسیر تسویه‌حساب جناحی را انتخاب کرده‌اند؟ در متن منتشرشده، این موضوع به‌درستی نقد شده است: جریانی که حتی در وضعیت بحران، چشم به فرصت‌های کوتاهمدت دوخته و تخریب دولت را به مأموریت اصلی خود بدل ساخته است.

در روزهایی که جهان نگران تبعات حملات بی‌سابقه رژیم جعلی و پاسخ‌های مشروع ایران بود، رئیس‌جمهوری و دولت نه در پناهگاه‌ها، بلکه در کنار مردم ایستادند. با این حال، برخی نعتنای این حضور را نادیده گرفتند، بلکه با روایت‌هایی تند و بی‌پایه، تلاش کردند دولت را در مظان خیانت قرار دهند. اتهام‌زنی‌ها به حدی رسید که برخی نمایندگان مجلس از عزل رئیس‌جمهور سخن گفتند؛ گویی در شرایطی ناپایدار، تغییر دولت می‌تواند نسخه نجات کشور باشد، نه عامل فروپاشی وحدت ملی!

پایدارسازی ذهنی فضای خاکستری

محمدرضا طورانی

نیروهای پدافندی ما درخشان عمل کردند.

از یاد نبریم ما با تکنولوژی روز دنیا در عرصه جنگ، رو در رو هستیم. نبردی که مرز نمی‌شناسد و در مرحله نخست، خیلی متکی به نیروی انسانی نیست. مراوده و بهره‌گیری برای تقویت بنیه دفاعی، مهم است. و از آن مهم‌تر آموزش عمومی در رده‌ها و طبقات مختلف جامعه برای نحوه حضور و نوع و سطح تقابل و تعامل در این شرایط است. تلفات و آسیب‌های انسانی و مشکلات بعد از جنگ باید به حداقل برسد که مستلزم انجام اموراتی است که باید متولی آن تعیین شود و اقداماتی فوری شکل گیرد.

۱. مردم باید دلیل جنگ و مفهوم نبردی که شکل گرفته و نقش آن در زندگی خود را متوجه باشند. جنگ باید به مسئله شخصی مردم تبدیل شود. وطن خانه اصلی ما هست و بدون وطن، خانه‌های کوچک هم وجود نخواهد داشت. نباید جنگ چنین وانمود شود که مربوط به حاکمیت یا نظام سیاسی است. جنگ ارتباط مستقیم با زندگی ملت و آینده فرزندان این کشور دارد. در چنین حالتی همگان، برای بود و نبود خود وارد میدان خواهند شد. مردم منطقه و حماسی‌ایستادند چون ازیر باز، معنی وطن و غرور ملی را فهمیده بودند. این فهم باید در همه موارد در اولویت باشد.

۲. تخصص‌ها و مهارت‌ها و توانایی‌های فردی مردم



می‌تواند در این نبرد پشتوانه دولت و مسؤولین جنگ باشد. مردم باید همه‌داشته‌های خود را به وقت نیاز پای کار آورند. در ۱۲ روز به کرات شاهد خلق حماسه‌های زیبایی از مردم کوچه و بازار بودیم. برای تحقق کامل‌ترین مفهوم می‌توانیم از ظرفیت‌های موزی نیز بهره‌بریم. مساجد و مجموعه‌های محلی در چنین شرایطی باید فعال باشند. نشست با مدیران مجتمع‌های مسکونی و توجیه شرایط و آموزش برای انتقال به ساکنان، شناسایی ظرفیت‌های پناهگاهی در محل و هماهنگی برای شرایط ویژه، برگزاری جلسات آموزشی، توجیهی و تبیینی علاوه بر تقویت روحیه مودت و جمعی، حداقل هابی را هم در حوزه آمادگی ایجاد می‌کند. کاری که شوریهایی که به مراتب نسبت به ایران از تهدید کمتری برخوردار هستند انجام داده‌اند و آمادگی‌های زیادی را کسب کرده‌اند. بی‌توجهی و به حداقل رسانی آموزش، تبعات منفی بدنبال خواهد داشت.

تأکید مدیریت بحران استان بر خلا آمدگی نهادهای

فقدان سند کاهش خطرپذیری،

بزرگترین خطر پنهان البرز

حمید رشید

در عصری که بحران دیگر اتفاقی نادر نیست، بلکه روایی جاری در بسیاری از مناطق شهری است، آمادگی برای مواجهه با بحران‌ها باید از سطح توصیه و شعار، به سطح ابزار و اسناد عملیاتی برسد. در همین چارچوب، هشدار اخیر محمدرضا فلاحت‌نژاد، مدیرکل مدیریت بحران استانداری البرز، درباره فقدان یا عدم به‌روزرسانی اسناد کاهش خطرپذیری در برخی دستگاه‌های اجرایی، نه یک نکته اداری، که یک هشدار جدی برای امنیت جمعی است.

استان البرز، به‌عنوان یکی از متراکم‌ترین مناطق کشور، با ترکیبی پیچیده از چالش‌های محیط‌زیستی، زیرساختی، صنعتی و جمعیتی روبه‌روست. مجاورت با پایتخت، وجود گسل‌های فعال، تراکم جمعیت بالا، تنوع مهاجرتی، و همچنین رشد بی‌رویه شهرنشینی باعث شده که هر بحران طبیعی یا انسانی، در این منطقه از ضریب خطر بسیار بالاتری نسبت به سایر استان‌ها برخوردار باشد. با چنین مختصات، نداشتن سند جامع و به‌روز کاهش خطرپذیری در نهادهای اجرایی، به‌مثابه راندگی در اتوبان بدون ترمز است.

فلاحت‌نژاد در نشست اخیر ستاد فرماندهی عملیات پاسخ به بحران، تأکید کرد که این اسناد باید نه‌تنها موجود، بلکه دقیق، شفاف و مبتنی بر جزئیات واقعی امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی در دستگاه باشند. در واقع، ما با یک چالش ساختاری روبه‌رو هستیم: دستگاه‌هایی که در ظاهر برای بحران آماده‌اند، اما در عمل، حتی نمی‌توانند فهرستی از منابع و تجهیزات خود در اختیار فرماندهی میدانی بگذارند. همین خلأ، در لحظات بحرانی، می‌تواند فاصله میان نجات و فاجعه را تعیین کند.

موضوع تنها به تهیه سند هم محدود نمی‌شود. بحث آموزش‌های تخصصی و عملیاتی برای کارکنان دستگاه‌های اجرایی، یکی دیگر از حلقه‌های مغفول زنجیره آمادگی بحران در البرز است. فلاحت‌نژاد تأکید می‌کند که همه نهادها مکلف به برگزاری دوره‌های آموزشی برای پرسنل خود هستند. بدون این آموزش‌ها، حتی دقیق‌ترین سند هم روی زمین می‌ماند. برنامه‌ریزی بدون تمرین، فقط یک آرشو کاغذی است. باید یاد بگیریم که آمادگی در بحران، محصول تمرین پیش از بحران است.

در این میان، طراحی سناریوهای عملیاتی ویژه برای تمرین و مانور نیز یکی از نقاط قوت رویکرد جدید مدیریت بحران البرز محسوب می‌شود. با تدوین سناریوهای واقعی، می‌توان نهادهای شهری و روستایی را در معرض آزمون عملی قرار داد. این که در یک زلزله ۵ ریشتری، یا یک سیل منطقه‌ای، هر دستگاه چطور عمل می‌کند، چطور با دیگران هماهنگ می‌شود، و چه موانعی در مسیر اجرا وجود دارد، تنها از دل این مانورها قابل کشف است؛ اما بحران در البرز تنها محدود به تهدیدهای طبیعی نیست. زیرساخت‌های فرسوده، به‌ویژه در حوزه آب، به یک تهدید خاموش بدل شده‌اند. در همین راستا، دستور فلاحت‌نژاد برای ارائه گزارش جامع درباره نشست‌ها، افت فشار و هدررفت آب در شبکه توزیع استان، از اهمیت زیادی برخوردار است. نشستی در شبکه آب فقط هدررفت نیست؛ علامتی است از یک سیستم ناپایدار که در روز بحران، اولین قربانی خواهد شد. اگر امروز نتوانیم جلوی نشت‌های کوچک را بگیریم، فردا باید با بحران‌های بزرگ‌تری روبه‌رو شویم که هم زمان‌برتر و هم پرهزینه‌ترند.

تجربه بحران‌های اخیر در کشور از سیل خوزستان تا زلزله کرمانشاه، به‌روشنی نشان داده که آنچه تفاوت می‌آفریند، نه فقط حجم منابع، بلکه کیفیت مدیریت و میزان آمادگی است. این آمادگی نه‌تنها در ساختمان فرمانداری، بلکه در سطح محلات، نهادهای عمومی، مراکز آموزشی، و حتی شهروندان عادی باید جاری شود. سند کاهش خطرپذیری، سندی فقط برای بایگانی نیست؛ یک نقشه راه زنده است که باید بارها مرور، تمرین و به‌روزرسانی شود.

البرز، با همه ظرفیت‌ها و چالش‌هایش، اگر می‌خواهد در لحظه بحران به نقطه فروپاشی نرسد، باید از همین امروز به فکر آن لحظه باشد. سند کاهش خطرپذیری، سند آینده‌نگری است؛ سند مسئولیت‌پذیری نهادهای است؛ سند تعهد به زندگی مردمی است که هر روز در سایه نالیمنی‌های ساختاری زندگی می‌کنند.

تفاوت در نوع قرارداد در شهرداری‌ها عامل نارضایتی کارکنان است

شهردار کرج از تفاوت در نوع قرارداد نیروهای شهرداری به‌عنوان یک عامل تبعیض و آسیب بین کارکنان یاد کرد و خواستار رسیدگی بخش‌های مرتبط به این موضوع شد.

مهرداد کیانی در جلسه شورای اداری استان البرز با حضور دکتر رفیعی، رئیس سازمان استخدامی کشور، به طرح مسائل و مشکلات ساختاری در شهرداری‌ها پرداخت و بر لزوم اصلاح فوری نظام پرداخت حقوق و مزایا تأکید کرد.

کیانی، با اشاره به اینکه شهرداری کرج با یازده هزار و هشتصد و هشتاد و دو نیرو، ماهانه هفتصد میلیارد تومان صرف حقوق و مزایا می‌کند، از وجود مدل‌های قراردادی متفاوت که منجر به نابرابری فاحش در دریافتی کارکنان می‌شود، انتقاد کرد.



دنیای سوادار

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۳

۳ در شهر

از «البرز» چه خبر؟

مدیرکل بهزیستی استان البرز گفت:

۲۸۳ پروژه بهزیستی البرز آماده بهره‌برداری شد

مدیرکل بهزیستی استان البرز گفت: ۲۸۳ پروژه عمرانی و خدماتی هم‌زمان با آغاز هفته بهزیستی در این استان آماده بهره‌برداری شده است.

«وجیهه محمدی فلاح» روز سه‌شنبه در بازدید از شیرخوارگاه امام علی (ع) کرج با اعلام آغاز هفته بهزیستی از ۲۵ تا ۳۱ تیرماه با شعار ملی «با هم برای بهزیستی» مشارکت امروز، توانمندسازی فردا» افزود: با افتتاح این پروژه‌ها بیش از ۱۶۴ هزار نفر در استان از خدمات بهزیستی بهره‌مند می‌شوند.

وی بیان کرد: اکنون مرکز مشاوره تلفنی ۱۴۸۰ البرز برای رفاه حال شهروندان و پاسخ به نیازهای آنان و همچنین ایجاد دسترسی آسان و رایگان و ارتقای سطح سلامت روان افراد جامعه با تعداد ۱۰ کابین در حال خدمت رسانی به مردم استان البرز هستند.

محمدی فلاح اضافه کرد: این مرکز مشاوران به منظور ارائه خدمات مشاوره، راهنمایی و ارجاع در زمینه پیشگیری از اختلالات و مشکلات روانی اجتماعی و ارتقای سلامت روان تماس‌گیرندگان به ارائه مشاوره روانشناختی به‌صورت تلفنی می‌پردازند.

وی یاد آورد: در یکسال گذشته تعداد ۴۸ هزار و ۱۰۴ مشاوره تلفنی رایگان از طریق خط تلفنی ۱۴۸۰ ارائه شده که بیشترین فراوانی مشاوره‌ها به ترتیب مربوط به اختلالات افسردگی، اضطراب، کودک و نوجوان، مشکلات فردی و

بین فردی و مشکلات با همسر بوده است. مدیرکل بهزیستی استان البرز یاد آورد: همه مشاوران به رعایت اصول رازداری و محرمانه تلقی کردن اطلاعات تماس‌گیرندگان متعهد هستند و با توجه به تنوع تماس‌گیرندگان و گوناگونی مشکلات آنها، ضرورت دارد که برای دریافت راهنمایی و خدمات روان‌شناختی و مشاوره مناسب، تماس‌گیرندگان به مراکز مشاوره حضوری و سایر منابع حمایتی متناسب ارجاع داده شوند.

وی گفت: سامانه صدای مشاور بهزیستی با خط تلفنی ۱۴۸۰ برای مشاوره غیرحضوری و تلفنی همه روزه حتی روزهای تعطیل از ساعت هشت صبح الی ۲۴ به صورت رایگان مشاوره کاملاً تخصصی ارائه می‌دهد.

۲ دستگاه خودرو» و «به مرکز اورژانس اجتماعی استان البرز اضافه شد

مدیرکل بهزیستی استان البرز یاد آورد: به مناسبت هفته بهزیستی ۲ دستگاه خودرو «ون» به ناوگان اورژانس اجتماعی البرز به ارزش هر کدام ۳۵ میلیارد ریال اضافه شد. طی سال گذشته ۵۰ هزار تماس تلفنی با مرکز اورژانس اجتماعی این استان برقرار شده است.

وی گفت: از این تعداد ۲۰ درصد تماس‌ها به تعداد ۱۰ هزار تماس مرتبط با خدمات اورژانس اجتماعی بوده و حدود ۸۰

پدافند غیرعامل حلقه گمشده سازمان نظام مهندسی و مدیریت شهری

کلانشهر کرج قابل قبول نیست؛ این سازمان باید به‌عنوان یکی از بازوان مدیریت شهری با همفکری و هم‌افزایی برای خروج از این بحران قدم بردارد. رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری پارلمان شهری اظهار داشت: اگر تعامل دو طرفه صورت گیرد بسیاری از موارد قابل حل خواهد شد و برای شهروندان رفاه و ایمنی بیشتری را به همراه خواهد داشت.

رحیمی، آموزش شهروندی در مواجهه با بحران‌ها را یکی از مولفه‌های اصلی تاب‌آوری شهری دانست و تأکید کرد: با تشکیل کارگروه مشترک می‌توان مکان‌های امن سطح شهر و همچنین محل‌های امن در ساختمان‌های موجود (مسکونی-اداری-تجاری) را شناسایی کرده و به شهروندان محترم به منظور استفاده در مواقع بحران معرفی نماید.

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر کرج پیرامون نود و نهمین جلسه این کمیسیون که با حضور اعضای هیئت مدیره محترم نظام مهندسی استان البرز در خصوص مبحث ۲۱ مقررات ملی ساختمان

(پدافند غیرعامل) در حوزه ساخت و ساز شهری برگزار شد، گفت: موضوع ایمنی در سطح شهر به‌ویژه در زمان‌های بحران از اهمیت و درجه بالایی برخوردار است که این مبحث در حوزه شهرسازی نیازمند همکاری بین سازمان نظام مهندسی استان با مدیریت شهری است.

رحیمی، نقش و سهم سازمان نظام مهندسی در خصوص راهکارهای پدافند غیرعامل و ایمنی شهری را بسزا دانست و بیان داشت: جزیره‌ای رفتارکردن نظام مهندسی در بعضی مسائل حوزه شهرسازی



رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر کرج گفت: سازمان نظام مهندسی باید یکی از بازوان مدیریت شهری در حوزه پدافند غیرعامل باشد. علیرضا رحیمی خواستار تشکیل کارگروه مشترک برای همکاری و همفکری سازمان نظام مهندسی با مدیریت شهری برای مقابله با بحران ایمنی شد.

حمل‌ونقل عمومی می‌تواند الگوی اخلاق اجتماعی باشد



طرح پرسش‌ها، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود در زمینه اجرای موثرتر فریضتین در سیستم حمل‌ونقل عمومی پرداختند که مورد استقبال مسئولان قرار گرفت.

به عنوان یکی از پرتعدادترین بسترهای ارتباط اجتماعی، می‌تواند نقشی مؤثر در ترویج معروفات و پرهیز از منکرات داشته باشد. رفتار حرفه‌ای رانندگان، رعایت حجاب، ادب، پاکیزگی محیط خودرو و پرهیز از رفتارهای ناهنجار، مصادیقی از این فریضه الهی در فضای شهری است.

وی در ادامه، به تشریح شیوه‌های مؤثر در اجرای این فریضه پرداخت و تأکید کرد: امر به معروف نباید صرفاً تذکر ظاهری باشد، بلکه باید بر پایه احترام، گفت‌وگو، و رفتار الگویی صورت گیرد. مخاطب باید احساس احترام و مسئولیت اجتماعی را در مواجهه با این تذکر درک کند.

در پایان این نشست، برخی از حاضران به

دوره آموزشی اختصاصی امر به معروف و نهی از منکر ویژه کارکنان سازمان حمل‌ونقل بار و مسافر شهرداری کرج با حضور مسئولان مربوطه برگزار شد. در این دوره که با مشارکت جناب آقای امیدوار، مدیرکل حمل‌ونقل عمومی و حجت‌الاسلام کولیوند، دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان، برگزار شد، حجت‌الاسلام علیرضا سعیدی، عضو شورای اسلامی شهر کرج، به عنوان سخنران اصلی به تبیین جایگاه و اهمیت فریضتین در نظام اجتماعی پرداخت.

سعیدی ضمن تأکید بر نقش حیاتی امر به معروف و نهی از منکر در ارتقاء اخلاق عمومی و سلامت اجتماعی، اظهار داشت: ناوگان حمل‌ونقل عمومی

قهرمان پروری بادستان خالی

اصغر قلندری

سده لنجان (زرین شهر)، یکی از شهرستان های قهرمان پرور استان اصفهان، همواره جایگاه مردان و زنان آهنینی بوده که در عرصه وزنه برداری افتخارات بزرگی برای ایران رقم زده اند. این دیار، قهرمانانی در سطح رقابت های آسیایی، جهانی و حتی المپیک تربیت کرده که مدال های رنگارنگی را برای وزنه برداری کشورمان به ارمغان آورده اند.

نام هایی چون رشید شریفی، سهراب مرادی، رسول معتمدی، علیرضا معینی و هانیه شریفی (برادرزاده رشید شریفی) از جمله ستارگان نامدار این منطقه هستند که در مقاطع مختلف افتخار آفرینی کرده اند.

لنجان، شهرستانی در مجاورت کارخانه عظیم ذوب آهن و در فاصله ۴۵ کیلومتری از شهر اصفهان، نه تنها خاک حاصل خیزی برای پرورش قهرمانان، بلکه مهد تلاش بی وقفه و مربیانی فداکار بوده است.

از جمله این چهره های ماندگار، می توان به ایرج معینی، پدر علیرضا معینی، اشاره کرد؛ مربی دلسوز و باتجربه ای که نقش کلیدی در توسعه وزنه برداری این منطقه ایفا کرده است. او، با وجود کمبود امکانات، با انگیزه و پشتکار مثال زدنی، زمینه ساز حضور وزنه برداران شایسته لنجان در تیم های ملی شده است.

بی اغراق، امروز ایرج معینی به عنوان یکی از مربیان فکور و تأثیرگذار وزنه برداری شناخته می شود؛ کسی که علیرغم مشکلات فراوان این رشته ملی و سنتی، هرگز دست از تلاش برنداشته و با نگاهی آینده نگر، فرصتی را برای پیشرفت از دست نداده است. او با تمام وجود، بار سختی ها را به دوش کشیده تا شاید جوانان مستعد سده لنجان را به دوران باشکوه وزنه برداری بازگرداند.

حضور مربی تیم ملی در خانه وزنه برداری لنجان

در ادامه تلاش های اداره ورزش و جوانان شهرستان لنجان و همت خستگی ناپذیر ایرج معینی، مربی دلسوز و برجسته وزنه برداری این شهر تاریخی، جباری، مربی تیم ملی وزنه برداری بزرگسالان ایران، با حضور در خانه وزنه برداری لنجان به بررسی روند تکمیل این مجموعه ورزشی پرداخت. این بازدید در راستای نهایی سازی مراحل اجرای پروژه، معرفی رسمی مدیر سالن، و هماهنگی با پیمانکار جهت بهره برداری زودهنگام از خانه وزنه برداری صورت گرفت. جباری همچنین با حضور در تمرینات، به بررسی وضعیت آمادگی ملی پوشان پرداخت و در گفت و گو با ایرج معینی (مربی برتر وزنه برداری کشور) و رشید شریفی (مدیر سالن) درباره راهکارهای توسعه ورزش وزنه برداری در شهرستان لنجان و شناسایی و پرورش استعداد های بومی تبادل نظر کرد.

این نشست و بازدید، گامی مهم در مسیر ارتقای جایگاه لنجان به عنوان یکی از قطب های وزنه برداری استان اصفهان به شمار می آید؛ شهری که سال هاست با قهرمانان زن و مرد خود، در عرصه ملی و بین المللی خوش درخشیده است.

شایان ذکر است در واپسین ماه های سال ۱۳۷۷، تیم وزنه برداری استان اصفهان موفق شد عنوان قهرمانی مسابقات زیر گروه باشگاه های ایران را به خود اختصاص دهد. این رقابت ها که در شهر همدان برگزار شد، با افتخار آفرینی ورزشکاران اصفهانی همراه بود؛ احسان بیانی مدال طلا، سعید آری مدال نقره و عبدالصمد نمازی مدال برنز را کسب کردند تا در نهایت تیم وزنه برداری اصفهان بر سکوی نخست این رقابت ها بایستد.



تحول در اورژانس قم با ورود ۶ آمبولانس جدید

با الحاق ۶ دستگاه آمبولانس تازه به ناوگان اورژانس ۱۱۵ قم و امضای تفاهنامه ای برای تامین ۲۰ دستگاه دیگر، مسیر نوسازی ناوگان امدادی استان وارد مرحله جدیدی شد. این اقدام ها با مشارکت خیران و حمایت سازمان اورژانس کشور صورت گرفت. «جعفر میعادفر» رئیس سازمان اورژانس کشور- شامگاه گذشته در آیین بهره برداری از این تعداد آمبولانس در دانشگاه علوم پزشکی قم، طی سخنانی با بیان اینکه سالانه بیش از ۱۸ میلیون تماس با سامانه ۱۱۵ برقرار می شود، اظهار کرد: از این تعداد حدود ۶ میلیون تماس به اعزام تیم های اورژانس منجر می شود که نشان دهنده بار سنگین مأموریت های امدادی است. در جریان جنگ ۱۲ روزه اخیر، بیش از ۱۰ هزار و ۵۰۰ مأموریت امدادی انجام شد، متأسفانه در این عملیات ها ۱۵ نفر از نیرو های اورژانس مجروح شدند و ۱۱ آمبولانس آسیب دید.

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۵۳

دنیای سوادار

جمعه

داستان جلد

فروپاشی زیربنای کشاورزی، میراث و زیرساخت قزوین زیر ذره بین «دنیای هوادار»؛

دشت بی تاب



ایمان روزبهانی

دشت قزوین، این گهواره زراعت و زیست باوری، امروز نه از تیغ مهاجم بیرونی، که از درون فرو می پاشد؛ بی بیا هو، بی انفجار، و دقیقاً به همین دلیل، خطرناک تر از هر بحران دیگر. بر اساس داده های تازه سازمان نقشه برداری کشور، نرخ فرونشست این دشت تاریخی از ۱۹ سانتی متر در سال به ۳۰ سانتی متر رسیده است؛ افزایش ۵۷ درصدی در بازه ای کوتاه که زنگ خطر را نه فقط برای قزوین، بلکه برای پایداری سرزمینی ایران به صدا درمی آورد. این فروپاشی تدریجی اما پیوسته، دیگر پدیده ای جغرافیایی نیست؛ بلکه ترجمان ملموس شکست در سیاست گذاری منابع، غفلت در مدیریت آب، و فریادی خاموش از دل خاک است.

علامت نهایی برای تمدنی بیمار

آنچه امروز در قزوین رخ می دهد، نه صرفاً یک فاجعه محیط زیستی، که به تعبیری دیگر، مرگ تدریجی تمدنی است که از دل همین خاک سر برآورد. در حالی که پژوهشگران بر این باورند که دشت قزوین یکی از خاستگاه های تمدن کشاورزی در ایران است، امروز همان زمین، به دلیل فشار بی رویه بهره برداری از سفره های زیرزمینی، تاب ایستادگی ندارد. همان طور که معصومه آمیغی از سازمان نقشه برداری هشدار داده، اکنون پهنای به وسعت ۲۷۵۰ کیلومتر مربع درگیر فرونشست فعال است. جاده ها، راه آهن، بناهای تاریخی، فرودگاه های سبک، و حتی خطوط انتقال نیرو در معرض شکاف، نشست و از هم پاشی اند.

مسئله فقط افت سطح آب های زیرزمینی نیست، بلکه افت معیارهای تمدنی است: از برنامه ریزی علمی گرفته تا وجدان مدیریتی. جامعه شناسان زیست محیطی از این پدیده با اصطلاح «مرداب سیاست زدایی» یاد می کنند؛ یعنی وضعیتی که در آن، یک مسئله عمومی به حاشیه رانده شده و از دستورکار اجرایی و رسانه ای حذف می شود، چون درد دارد، چون به ریشه ها برمی گردد، و چون راحل هایش ساده و پوپولیستی نیست.

قربانی توسعه معیوب و اقتصاد ناپایدار

فرونشست ۳۰ سانتی متری در سال نشان می دهد که قزوین دیگر در حال «افت» نیست، بلکه در حال «سقوط» است. این میزان فرونشست، از بحرانی ترین دشت های جهان فراتر رفته و از خط قرمزهای بین المللی عبور کرده است. چرا؟ چون هنوز کشاورزی در این دشت بر مبنای بهره برداری بی محابا از چاه های عمیق، سفره های آب فسیلی، و بدون محاسبه ی تراز آب و خاک ادامه دارد. این دقیقاً همان مدلی از «توسعه ناموزون» است که اقتصاددانانی چون هرناندو دو سوتو آن را نشانه انباشت بی قاعده منابع در دست گروه هایی با دسترسی انحصاری به قدرت و زمین می دانند.

در دشت قزوین، همچنان نگاه به زمین، نگاه به «ثروت» است، نه «زیست بوم». کشت و کار، صرفاً یک فعالیت اقتصادی است، نه بخشی از چرخه حیات؛ و این جاست که پای واژگانی مانند «بحران تمدنی» به میان می آید.

فرونشست، فراموشی تدریجی حافظه تاریخی

قزوین فقط یک منطقه کشاورزی نیست؛ شهری است که قرن ها پیش از آنکه تهران پایتخت شود، نقش تاریخی،

استراتژیک و تمدنی داشته. از دوران صفویه گرفته تا پادگان های مدرن، از بازار سنتی تا روستاهای حاصلخیز تاکستان و بوئین زهرا، همه گواه هویتی هستند که امروز دارد در خاک فرو می رود. وقتی قلعه های تاریخی چون پس پر و حیدرآباد روی لایه های ناپایدار می نشینند، نه فقط میراث فیزیکی، که خاطره ی جمعی یک ملت دچار خلل می شود. در نظریه های حافظه پژوهی، پی پر نورا می گوید: «جایی که حافظه در معرض تهدید است، مکان به حافظه بدل می شود.» دشت قزوین، دیگر صرفاً یک جغرافیا نیست، بلکه میدان مقاومت حافظه است؛ و فرونشست، نماد شکاف میان حال و گذشته است.

فروپاشی بی صدا؛ کجا یاند مسئولان و رسانه ها؟

شاید عجیب به نظر برسد، اما بحران هایی مانند فرونشست قزوین هنوز به اندازه گرانی دلار یا نوسان بورس به تیتیر اول رسانه ها تبدیل نشده اند. چرا؟ چون تصویرشان به اندازه یک تجمع یا یک بحران سیاسی فوری، «کلیک خور» نیست. فرونشست، بحران بی صدا و بی رنگی است که در روندی آرام، اما مگر بار، همه چیز را می بلعد. در یک تعبیر فلسفی، می توان گفت ما با نوعی مرگ آگاهی اقلیمی مواجهیم؛ یعنی فهم تدریجی اما عاجزانه از نابودی، بدون توان تغییر. سیاست گذارانی که امروز صرفاً نگران رشد سطح زیرکشت و صادرات مواد خام هستند، باید بدانند که بدون بازسازی نظام مدیریت منابع، هر شکوفایی کوتاه مدتی به قیمتی سنگین تمام خواهد شد: مرگ زمین.

برخی ممکن است بگویند این ها موضوعاتی تخصصی اند و باید به دست مهندسان و آب شناسان حل شوند. اما حقیقت آن است که فرونشست، یک مسئله عمیقاً سیاسی اجتماعی است. وقتی یک دشت از درون تهی می شود، یعنی اعتماد عمومی، سرمایه گذاری زیرساختی، آگاهی زیست محیطی، و عدالت در توزیع منابع شکست خورده اند. درسی که از قزوین باید گرفت، این است: تا زمانی که مسئله آب در ایران، مسئله ای «ملی» تلقی نشود و نه «محلی»، هیچ تحول پایداری رخ نخواهد داد. سیاست گذاری باید از دل داده ها و با مشارکت مستقیم جامعه محلی، کشاورزان، کارشناسان و دانشگاه ها برآید. نمی توان انتظار داشت دشت ها زنده بمانند، وقتی گفتگو درباره آینده شان فقط در اتاق های بسته و پشت درهای سیاست شکل می گیرد.

وقتی زمین علیه ما شهادت می دهد

فرونشست دشت قزوین را نباید صرفاً یک «خرداد طبیعی» دانست؛ این پدیده، شکلی از اعتراض خاموش زمین است به تاریخی از بهره کشی، نابرابری، و سیاست های معیوب. اینجا دیگر خاک نیست که فرو



می نشیند، بلکه شای زیست پذیری یک ملت است که در حال فروپاشی است؛ شای که در آن رابطه انسان با طبیعت، از همزیستی به سلطه، و از سلطه به خودورانی بدل شده است.

در جامعه شناسی محیط زیست، از مفهومی به نام «بحران بازتابی» یاد می شود؛ وضعیتی که در آن، تکنولوژی ها و سیاست های توسعه محور پیشین، به جای حل مشکلات، خود به منبع بحران بدل می شوند. دشت قزوین، به عنوان گهواره کشاورزی ایران، امروز دقیقاً در چنین لحظه ای ایستاده است: آنچه روزگاری مهد زراعت و آبادی بود، حالا به بزهوتی شکندن بدل شده، زیر بار سازوکارهایی که نام توسعه را یکد می کشیدند، اما عقلانیت اکولوژیک نداشتند.

فرونشست، زلزله ای نیست که شهر را ناگهان بلرزاند؛ آهسته می آید، آرام، خزنده، اما دقیقاً به همان اندازه بی رحم. و این خشونت خزنده، در سکوت و بی تفاوتی پیش می رود؛ چرا که فرود آهسته خاک، نه تصویر دارد، نه تیتیر، نه آمار فوری ای که مخاطب را شوکه کند. اما در عمق این سکوت، ساختارهای اجتماعی نیز در حال ترک برداشتن اند.

در نظامی که اولویت با کمیت گرایی، افزایش تولید و درآمد آتی است، نگاه به منابع طبیعی، دقیقاً همان نگاهی است که به نیروی کار و طبقات محروم وجود دارد: استفاده تا مرز استهلاک، و بهسازی پس از فرسایش. دشت قزوین، همانند کارگرانی است که تمام عمرشان در خط تولید به کار گرفته شدند، بدون حمایت، بدون بازسازی، و اکنون، در خاموشی کامل، در حال از پا درآمدن. آیا این زمین، کمتر از یک تن رنج دیده، سزاوار توجه است. امروز، فرونشست خاک، استعاره ای است از فرونشست مشروعیت ساختاری؛ از آنچه می توانست با مدیریت مشارکتی، سیاست های بلندمدت و برنامه ریزی پایدار از آن جلوگیری کرد. اما وقتی سیاست گذار به جای مراقبت، تنها بر تملک تمرکز می کند، نتیجه، تکرار فاجعه هایی خواهد بود که دیگر نه استثنا، که قاعده اند. ما وارث خاکی هستیم که نه از ما ارث برده ایم، بلکه وام دار آن ایم. و امروز، این خاک دارد از ما طلب کارانه پس می گیرد. مرگ زمین، مرگ فرد نیست؛ مرگ امکان زیستن جمعی است. هر ترک زمین، شکافی در حافظه ی فرهنگی مان است؛ هر فرونشست، حفره ای در نظام همبستگی اجتماعی.

دشت قزوین دارد فرو می ریزد؛ اما این فقط خاک نیست که پایین می رود؛ اعتماد عمومی است، آینده نگر است، و خود تصویر ما از توسعه و پیشرفت است که در حال سقوط است. اگر این بار، ما به اندازه زمین واکنش نشان ندهیم، دیگر نه فقط قزوین، که تاریخ ما هم فرو خواهد نشست؛ بی صدا، بی نشانه، بی امید.

دروستایش بازنده‌ای که باز هم دروغ می‌گوید؛

آسمان تگزاس، به رنگ پرتگاه سرمایه

مازیار قربانی



بسادگی از «نش» می‌گذرد و این موضوع مؤید آن است که او دختری جاهطلب بوده و راه برای هر تصمیمی از جانب او باز است.

در این میان وقتی آثار دیگر بیکر را مرور می‌کنیم درمی‌یابیم که تعداد کمتری از ساخته‌های او تا این اندازه الگومند عمل کرده‌اند و معمولاً بحران به شکل کلاسیک در فیلم‌نامه‌های او وجود ندارد. مثلاً در «بیرون‌بر» بزرگترین چالشی که برای «مینگ دینگ» رخ می‌دهد، ربودن تمام آن پول‌هایی است که به سختی و در طول یک شبانه‌روز بدست آورده است. هر چند که او پس از این اتفاق، مرگ را در یک قدمی خود احساس می‌کند، اما دزدیدن پول‌ها به‌عنوان یک بحران نمایشی مطرح نبوده و به‌عنوان مهمترین رخداد دراماتیک، در نقطهٔ اوج بوقوع می‌پیوندد و سریعاً حل و فصل می‌شود.

در «استارتل» پس از اینکه «تس» موفق می‌شود نظر «مایکی» را برای ایفای نقش جلب کند، یک پیروزی موقت را در نقطه میانی درام بدست می‌آورد و بحرانی که در ادامه‌اش می‌آید، گم‌شدن سگ او، «استارتل» و ماجرای پیروزن یا خانه‌اش است. اما در بحران‌های بظاهر ایجاد شده در این فیلم از آنجایی که خود «تس» به‌عنوان قهرمان نقشی در حل‌فصل آن‌ها ندارد، این بحران‌ها از نظر دراماتیک ارزش چندانی ندارند. باین‌حال، در میان دیگر آثار او «پروژه فلوریدا» از بحران دراماتیک قابل قبولی برخوردار است و در آن پس از اینکه مادر شغل دست‌فروشی را از دست می‌دهد مجبور می‌شود به روسپی‌گری روی بیاورد و از این مقطع داستانی به بعد است که سرنوشت مادر و دخترش حائز اهمیت می‌شود.

روی‌هم‌رفته، پردهٔ میانی «موشک سرخ» از ویژگی‌های مهم دراماتیک همچون سرگرم‌ساختن مخاطب تا رسیدن به پردهٔ پایانی برخوردار است و این امتیاز بزرگی برای فیلم است. در ادامه زمانی که «ریلی» با تمام شرط و شروطش تصمیمش را برای پورن‌استار شدن می‌گیرد، فیلم وارد پردهٔ پایانی می‌شود. اما در ادامه، فیلم‌نامه‌نویس از یک تمهید مهم برای عملی‌شدن هر چه زودتر این تصمیم و ترک تگزاس توسط «مایلی» و «ریلی» استفاده می‌کند و آن تصادف بزرگراه و گیر افتادن «لانی» است. این اتفاق به منزلهٔ تنگ‌شدن عرصه برای قهرمان در راستای تعجیل در انجام کنشی است که قصد انجام آن را دارد. بنابراین این واقعه صرفاً برای بالا بردن هیجان پردهٔ پایانی نیست؛ بل اهمیتی شایان در تصمیم‌گیری کاراکترها دارد.

«موشک سرخ» توانایی این را دارد که تا انتها و رسیدن به نقطهٔ اوج مخاطب را با خود درگیر کند و او را منتظر سرنوشت نهایی قهرمان قرار دهد. در اینجا یک نکتهٔ مهم باید یادآوری شود و آن اینکه شایستگی‌های قهرمان در پردهٔ میانی مشخص می‌کند که او در پایان باید عاقبت به خیر شود یا عاقبت به شر. «مایکی» در پردهٔ دوم «موشک سرخ» از خود ویژگی بارزی نشان نمی‌دهد که حاکی از این موضوع باشد که در انتها شایستهٔ رستگاری است. بنابراین در پایان بی‌چیزتر از زمانی که در ابتدای فیلم او را دیده بودیم ظاهر می‌شود و بدون آنکه حتی لباسی بر تن داشته باشد از مهلکه فرار می‌کند.

«لانی» را هم گول بزند؛ فیلم‌نامه بدین نحو گام بلندی در راستای شخصیت‌پردازی «مایکی» برمی‌دارد. همچنین از صحبت‌های «لانی» به‌عنوان یک پسر سادملوح که فکر می‌کند می‌تواند در کنار «مایکی» پیشرفت کند، کنش‌های آتی او جنبه‌ای باورپذیر به خود می‌گیرند. پس از یک مقدمه‌چینی طولانی، بالاخره زمانی که «مایکی» با «ریلی» در فروشگاه دونات آشنا می‌شود، نقطه عطف اول فیلم‌نامه رقم می‌خورد. همان فروشگاه دوناتی که پیش از این مورد توجه بیکر واقع شده بود و او گره‌گشایی «نارنگی» را در چنین لوکیشن و چنین موقعیتی رقم زده بود. از اینجا به بعد در پردهٔ میانی فیلم‌نامه جز رابطهٔ میان «مایکی» و «ریلی» به‌عنوان پیرنگ اصلی، چند پیرنگ فرعی نیز در جریان است و نویسنده به این نکته توجه داشته است که در پردهٔ میانی یک فیلم‌نامه باید رابطه‌هایی جدید شکل بگیرند یا رابطه‌های قبلی پیشرفت کنند؛ از این رو پس از رابطه‌ای که میان «ریلی» و «مایکی» به‌عنوان رابطهٔ جدید بوجود می‌آید، بیکر رابطهٔ میان «مایکی» و «لانی» و همچنین ارتباط میان «مایکی» و «لکسی» را نیز جلو می‌برد.

از آنجایی که ارتباط میان «مایکی» و «لکسی» در پردهٔ اول پایه‌گذاری شده است، از لحاظ دراماتیک، پیشرفت رابطهٔ میان آن‌ها زمانی کارکرد محسوس به خود می‌گیرد که درمی‌یابیم در پردهٔ دوم تعامل خوبی میان «لکسی» و «مایکی» برقرار شده است که نمونهٔ بارز را می‌توان با ارجاع به دو خط کنش به خاطر آورد؛ «لکسی» که متوجه تغییر رفتار «مایکی» نسبت به خودش می‌شود از «لانی» سراغ همسرش را می‌گیرد و زمانی‌که مطمئن می‌شود «لانی» مدت زیادی را با «مایکی» سپری می‌کند احساس رضایت می‌کند.

کنش دوم نیز مربوط می‌شود به امید تازه‌ای که «لکسی» با حضور «مایکی» در زندگی‌اش بدست آورده. «لکسی» که گویا در گذشته نیز دلش می‌خواسته حضانت یک نوزاد را بر عهده بگیرد، حالا و پس از اینکه «مایکی» را فردی متعهد به خانواده می‌بیند، از همسرش درخواست می‌کند که دوباره برای این کار اقدام کند. پیشرفت دراماتیک ارتباط میان «مایکی» و «لانی» نیز خود را به بهترین شکل در صحنه‌ای نشان می‌دهد که معرکهٔ «لانی» با شکست مواجه می‌شود. در این صحنه «لانی» بخاطر اشتباهی که در پوشیدن لباس فرم سربازی می‌کند توسط چند پسر جوان رسوا می‌شود. مایکی که از دور نظاره‌گر این صحنه است گویی با تماشای عجز «لانی»، تسلطش بر او کامل می‌شود؛ برای همین هم است که در ادامه «مایکی» هر چه می‌گوید «لانی» می‌پذیرد و اجرایی می‌کند.

بحران اصلی فیلم‌نامه «موشک سرخ» از الگوی شناخته شدهٔ حضور نفر سوم بهره می‌گیرد. در این الگو، نفر سوم یا آنتاگونیست اصلی است یا دستیار او. اما در اینجا «نش» در مقام دوست‌پسر قبلی «ریلی» هیچ یک از دو مورد ذکر شده نیست. کارکرد این بحران از دو منظر قابل بررسی است؛ انگیزهٔ قهرمان و مقدمه‌چینی برای تصمیمات بعدی «ریلی». «مایکی» نشان می‌دهد برای اینکه به هدفش برسد و «ریلی» را به یک پورن‌استار تبدیل کند، حاضر است خود را به دردرس بیندازد و «نش» را از رقابت با خود بیرون کند. «ریلی» هم

اگر در «نارنگی» و «پروژه فلوریدا» کاراکترهای زن، بخاطر امرار معاش به روسپی‌گری افتاده‌اند، در اینجا با یک ستارهٔ پورن از عرش به فرش رسیده مواجهیم که قصد بهره‌کشی از زنان را دارد و تنها به منافع شخصی خویش می‌اندیشد و در این مسیر لکسی و ریلی بازیچهٔ دست او هستند. حتی در همان اوایل فیلم، هنگامی که اولین نمای بسته از مایکی را شاهد هستیم، حرکت «زوم‌این» قصد دارد به درون مرموز مایکی نزدیک‌تر شود و این حرکت تکنیکی که در فیلم‌های اولیه‌اش هم تکرار می‌شد، از لحاظ زیبایی‌شناسی، اعتلا یافته و فیلم‌ساز دیگر در پی آن نیست تا زوم‌هایش به سبک فیلم «بیرون‌بر» یا «شاهزادهٔ برادوی» مبتدی بنظر برسد. از این رو می‌توان ادعا کرد «موشک سرخ» نقته‌ای از منظر ویژگی‌های سبکی و نوع میزانشن، بلکه از نظر انتخاب سوز و روایت‌پردازی نیز بهترین اثر شان بیکر است.

یک تفاوت اساسی دیگر «موشک سرخ» با آثار قبلی فیلم‌سازش این است که بیکر بسیار باحوصله ماجراهای پردهٔ اول فیلم‌نامه را پیش می‌برد و یک‌سوم ابتدایی از این جهت که مایکی برای بدست‌آوردن یک شغل مرسوم جامعه مغموم می‌شود، طعنه‌ای به شخصیت او و افرادی شبیه به اوست. همانطور که در اوایل متن نیز به آن اشاره شد، شغل مقوله‌ای حیاتی برای شخصیت‌های اصلی فیلم‌های بیکر است.

در «بیرون‌بر» تنها راهی که به ذهن «مینگ دینگ» برای خلاصی از دست طلبکارها می‌رسد این است که در مدت زمان کوتاهی که دارد، در جایگاه پیک رستوران بجای تمام دوستانش، غذاها را به دست مشتریان برساند تا شاید بتواند بدهی‌اش را صاف کند. در «شاهزادهٔ برادوی» نیز «لوکی» بعد از اینکه متوجه می‌شود از دوست‌دختر سابقش صاحب یک پسر شده، زندگی کاری‌اش با مشکل روبه‌رو می‌شود. حال این مشکل در «موشک سرخ» به شکلی دیگر خود را نشان می‌دهد و «مایکی» که تا به حال یک پورن‌استار بوده، توسط مسئولان ذی‌ربط شغل‌های مرسوم اجتماع پذیرفته نمی‌شود و او مجبور است به فروختن مواد مخدر روی بیاورد.

در همین مسیر وقتی مایکی با «لیاندريا» و دخترش «جون» مواجه می‌شود، فیلم‌نامه از یک کاشت داستانی - «جون» بخاطر بی‌اعتمادی نسبت به «مایکی»، جنس نامرغوب برای فروش به او تحویل می‌دهد- بهره می‌گیرد که در ادامه، قصه به آن بی‌توجه می‌ماند و بدون آنکه مشخص شود سرنوشت جنس‌ها زمانی که بدست مشتریان می‌رسد چه می‌شود و آن‌ها برای «مایکی» چه دردرسی ایجاد می‌کنند، پیرنگ به‌سراغ ماجراهای بعدی می‌رود.

از طرف دیگر از آنجایی که «لیاندريا» و دخترش سیامپوست‌اند، بار دیگر توجه بیکر به اقلیت‌ها را شاهد هستیم. اقلیت‌های رنگین‌پوست در فیلم‌های بیکر در صورتی که در جایگاه کاراکترهای اصلی قرار گیرند به‌عنوان یک قشر آسیب‌پذیر و در عین حال کنش‌مند معرفی می‌شوند. همچون «مینگ دینگ» فیلم «بیرون‌بر» و «لوکی» در فیلم «شاهزادهٔ برادوی». اما در زمینهٔ توجه به اقلیت‌ها، «نارنگی» مهمترین فیلم بیکر به حساب می‌آید؛ چرا که اقلیت‌های گرایشی، جنسیتی و قومی توأمان مورد توجه قرار گرفته‌اند. در «نارنگی» شخصیت چستر از ترنس‌های خیابانی سوءاستفاده می‌کند و سرنوشت آن‌ها برای او اهمیت ندارد اما در «موشک سرخ» مقولهٔ رنگین‌پوستان کمی متفاوت است و شاهد این هستیم که «لیاندريا» و خانواده‌اش صاحب قدرت هستند و مانند فیلم‌های مورد اشارهٔ قبلی فیلم‌ساز کاراکترهایی نیستند که در ابتدا از منظر فیلم‌نامه‌نویسی در جایگاه خود بازنده قرار گیرند. درواقع، شخصیت‌های «لیاندريا» و «جون» به‌گونه‌ای نیستند که «مایکی» بتواند حق‌شان را ضایع کند و مثل دیگر شخصیت فیلم یعنی «لانی» از آن‌ها سوءاستفاده کند.

در این وهله، زمانی که برای اولین بار «مایکی» سوار ماشین «لانی» می‌شود، اطلاعاتی از پیش‌داستان دربارهٔ زندگی «مایکی سپیر» و همسرش «لکسی» ارائه می‌شود و بعد متوجه می‌شویم که «مایکی» قصد دارد با وعده‌های توخالی

مقولهٔ پورن برای «شان بیکر» امر مهمی محسوب می‌شود، اما نه از آن جهت که بخواد به پورنوگرافی لذت توجه نشان دهد، بل از این منظر که می‌خواهد قصه‌هایی بگوید که در آن چالش‌های یک شخص بخاطر شغلی که دارد نمایان گردد. در فیلم‌های بیکر معمولاً برای شخصی که زیست پورنو دارد واقع‌های ناخوشایند رخ می‌دهد که این اتفاق یا به‌منابۀ موقعیت اولیه در درام است همچون آخرین اثر بیکر یعنی «موشک سرخ»، یا مانند فیلم «استارتل» به کشمکش میان شخصیت‌ها سیر صعودی می‌دهد و یا همچون «نارنگی» و «پروژه فلوریدا» در انتها تأثیر بسیار زبانباری در زندگی کاراکترها می‌گذارد.

ساختهٔ جدید بیکر نیز به همین قسم موضوعات مربوط است و فیلم دربارهٔ یک ستاره پورن به‌نام «مایکی» است که پس از گذران ناکامی‌هایش در کالیفرنیا، به زادگاهش تگزاس برگشته و حالا می‌خواهد زندگی‌اش را از نو شروع کند. از آنجایی که بیکر از سال ۲۰۰۰ و بعد از ساخت اولین فیلم بلندش سعی کرده به‌عنوان مؤلف، از برخی موضوعات و مضامین مشترک استفاده کند، طبیعی است که پرداختن به فیلم اخیرش شامل یکسری مقایسه و ارزیابی با آثار پیشینش هم باشد. در میان فیلم‌های بیکر «استارتل» بیشترین شباهت را به «موشک سرخ» دارد و انگار مایکی «موشک سرخ» همان مایکی فیلم «استارتل» است و حال به دوران افول خود رسیده است.

شخصیت «ریلی» هم به «تس» در «استارتل» نزدیک است با این تفاوت که کمی در گرفتن تصمیم سخت‌گیرانه‌تر عمل می‌کند و به سادگی حاضر نیست وارد این شغل شود. لازم به ذکر است که اولین فیلم بلند بیکر به نام «کلمات چهار حرفی» آسیب‌شناسی‌ای درباب زندگی جوانان است و از این جهت ارتباط کمتری با سیر مضمونی فیلم‌های بعدی‌اش دارد. در این فیلم، بیکر نگاهی طنزآمیز نسبت به دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و زبان مردان جوانی دارد که در حومهٔ آمریکا زندگی می‌کنند.

«کلمات چهار حرفی» شاید در نگاه اول فیلمی به سبک دوره‌می‌های دوستان و سیت‌کام‌ها باشد اما ماجرا وقتی بُعد پیدا می‌کند که درمی‌یابیم جوانانی که دور هم جمع شده‌اند پس از گذشت سال‌ها از دوران دبیرستان، اکنون زندگی را بی‌معنا یافته و بدنبال هدفی گمشده در زندگی‌شان هستند. باین‌حال، «کلمات چهار حرفی» شروع ماجراجویی‌شان بیکر در راستای یافتن سبک شخصی‌اش است که استفاده از جامپ‌کات‌های متعدد بارزترین آن‌هاست که البته در آثار بعدی‌اش چندان تکرار نشد و استفاده از زوم به جلو به‌عنوان یکی از ویژگی‌های سبکی آثار او، جای آن را گرفت.

«موشک سرخ» با نمایی شروع می‌شود که در آن مایکی آس و پاس به خانهٔ همسرش لکسی -که مدتی از او دور بوده- و مادرزنش لیل می‌رود و از آن‌ها خواهش می‌کند که او را به داخل خانه راه دهند. افتتاحیه‌های پرشور فیلم‌های بیکر، جز اینکه نقش مهمی در معرفی شخصیت دارند، از بزرگترین چالش شخصیت اصلی نیز پرده برمی‌دارند. این چالش در «موشک سرخ» مسئلهٔ آوارگی مایکی و بیکاری است همانطور که در فیلم‌های پیشین او کاراکترهای اصلی با چنین معضلی مواجه بودند.

در فیلم «بیرون‌بر» مینگ دینگ بدهکار است و طلبکارها در همان صحنهٔ ابتدایی با اسلحه وارد خانهٔ او می‌شوند و برای پرداخت بدهی‌اش به او یک شبانه‌روز فرصت می‌دهند. در «استارتل» نیز این موضوع تکرار می‌شود و شخصیت‌های اصلی به دلیل اجاره خانه به بن‌بست مالی خورده‌اند. در این راستا بیکر برای مقولهٔ شغل اهمیت ویژه‌ای قائل است طوری که در اولین دیالوگ‌هایی که میان مایکی و لکسی رد و بدل می‌شود درمی‌یابیم مایکی صاحب یک شبکهٔ پورن است و همسرش نیز از بازیگران سابق همین شبکه بوده است و مایکی صاحب چند جایزهٔ مهم نیز شده است.

بیکر در مقایسه با فیلم‌های قبلی‌اش، با ایجاد تنوع مضمونی، منفع‌طلبی را جایگزین فقر کرده است و مثلاً

موج سواری بر بازار ممنوع!

فراز اسدی



از حقوق‌شان یا ترس از تخلیه اجباری، در برابر افزایش‌های نجومی اجاره سکوت کرده‌اند. حالا نه تنها سقف قانونی تعیین شده، بلکه مسیر شکایت نیز روشن است: اگر مالک یا مشاور املاک بخواهد بیش از این سقف‌ها اقدام به افزایش اجاره کند، مستأجر می‌تواند با ارائه قرارداد، رسیدها، مکاتبات و سایر مستندات، در شورای حل اختلاف اقامه دعوا کند؛ اما اهمیت این قانون تنها در عدد و درصد نیست. مهم‌تر از آن، پیام اجتماعی آن است: دولت، ولو به‌صورت محدود، در کنار مستأجر ایستاده و ساختار اجاره‌نشینی را به حال خود رها نکرده است. این اتفاق، در کشوری که سال‌ها مالک‌محور بوده و مستأجر همواره در موضع ضعیف‌تر قرار داشته، یک چرخش معنای‌دار است. با این حال، سؤال اصلی اینجاست: آیا این قانون در میدان عمل هم کارایی خواهد داشت؟ آیا نظارت، ضمانت اجرا، و فرهنگ‌سازی لازم برای حمایت از آن وجود دارد؟ تجربه‌های پیشین، به‌ویژه در حوزه اجاره مسکن، نشان داده‌اند که قانون‌گذاری به تنهایی کافی نیست؛ قانون باید به فهم عمومی، اطلاع‌رسانی مؤثر، و حمایت‌های قضایی و اجرایی مستمر متصل شود. در غیر این صورت، قانون به حاشیه می‌رود و سازوکار بازار، با همان منطق سودطلبانه‌اش، بر میدان چیره می‌شود. دغدغه دیگر، عدم آگاهی عمومی نسبت به مسیرهای

افزایش بر رویه اجاره‌خانه در سال‌های اخیر، برای میلیون‌ها خانوار ایرانی، نه صرفاً یک مسئله مالی بلکه بحرانی روانی و اجتماعی بوده است. در کشوری که بخش بزرگی از طبقه متوسط و کارگران شهری دیگر رؤیای خانه‌دار شدن را به تاریخ سپرده‌اند، اجاره‌نشینی تبدیل به سبک زندگی پرمخاطره‌ای شده که هر سال باید با اضطراب «تمدید یا تخلیه» زندگی را سر کرد. حالا قانون جدید اجاره‌خانه ۱۴۰۴، با تعیین سقف افزایش اجاره، می‌خواهد نقطه پایانی بر این بی‌ثباتی بگذارد - یا دست‌کم آن را مهار کند.

طبق مصوبه ستاد ملی تنظیم بازار مسکن، سقف افزایش اجاره‌ها برای سال ۱۴۰۴ در تهران ۲۵ درصد و در سایر کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ ۲۰ درصد تعیین شده است. به زبان ساده، اگر مالک بخواهد بیش از این درصدها اجاره را افزایش دهد، مرتکب تخلف شده و مستأجر حق دارد تا پنج سال آینده از او شکایت کند. این تصمیم، اگرچه دیرینه‌نگام، اما در شرایط فعلی بازار مسکن، گامی ضروری است برای بازگرداندن تعادل حداقلی در رابطه میان مستأجر و مالک. از منظر حقوقی، این قانون یک گشایش محسوب می‌شود. بسیاری از مستأجران در سال‌های گذشته، به دلیل ناآگاهی

بسیاری از تنش‌ها در همان مرحله نخست مذاکره و تفاهم حاصل می‌شود. قانون هم بر همین منطق استوار شده: ابتدا گفت‌وگو، بعد اظهارنامه رسمی، و در نهایت شکایت. مستأجران باید یاد بگیرند از حقوق‌شان آگاهانه و با مدارک معتبر دفاع کنند، و مالکان هم باید ببینند که خانه‌داری، مانند هر سرمایه‌گذاری دیگر، تابع قواعد اجتماعی و انسانی است. در نهایت، قانون جدید اجاره‌خانه ۱۴۰۴ را باید نه یک معجزه، بلکه یک «سپر» دانست؛ سپری در برابر بی‌ثباتی‌های ویرانگر بازار مسکن که تنها با مشارکت فعال نهادهای نظارتی، مشاوران املاک مسئول، رسانه‌های هوشمند، و شهروندان آگاه می‌تواند اثرگذار باشد. این قانون می‌خواهد به مستأجر، برای نخستین‌بار، بگوید: تنها نیستی. اما آیا ما به‌عنوان جامعه، دولت و رسانه - این پیام را به اندازه کافی منتقل کرده‌ایم؟

قانونی شکایت است. بسیاری از مستأجران حتی نمی‌دانند می‌توانند از مالک شکایت کنند، چه برسد به اینکه بدانند کجا، چگونه و با چه مدارکی. همین‌جا نیاز به ورود گسترده رسانه‌ها، دفاتر تسهیل‌گری محلی، سامانه‌های آنلاین و حتی کمپین‌های اطلاع‌رسانی حقوق شهروندی به‌شدت حس می‌شود. از سوی دیگر، قانون جدید اجاره ۱۴۰۴ تنها در صورتی اثربخش خواهد بود که در کنار خود، نگاهی هم به وضعیت مالک داشته باشد. بسیاری از مالکان خرد - به‌ویژه بازنشستگان یا خانواده‌هایی که یک خانه اجاره‌ای تنها منبع درآمدشان است - نیاز به حمایت، شفاف‌سازی و مشاوره دارند. قانون، اگر می‌خواهد عادلانه باشد، باید دو طرف رابطه را ببیند، نه یکی را به نفع دیگری قربانی کند. نکته مهم دیگر، لزوم گفت‌وگو و مذاکره پیش از شکایت است. اگرچه مسیر شکایت قانونی است، اما راه‌حل

فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای «خرید دیزل ژنراتور»

شرکت آب منطقه ای البرز در نظر دارد فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای «خرید دیزل ژنراتور» را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان شامل دریافت و تحویل اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد همزمان با درج آگهی مناقصه در روزنامه می باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه و برنامه زمانبندی فرایند ارجاع کار از طریق سامانه قابل دریافت می باشد. اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گذار: کرج- مهرشهر-بلوار امام خمینی(ره)-روبروی مصلی-خیابان بوستان- شرکت سهامی آب منطقه ای البرز- کد پستی ۳۱۸۲۷۱۷۵۹۸- تلفن ۰۲۶۳۵۷۷۰۰۰۰ شناسه: ۱۹۶۴۵۹۲

شرکت آب منطقه ای البرز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت دوم)

برابر رای شماره ۱۲۰۰۲۳۰۸/۱۴۰۴ مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ و رای اصلاحی شماره ۵۲۳۵/۱۴۰۴ مورخ ۲۵ خرداد ۱۴۰۴ جلسه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی معصومه دوستی فرزند ابوالفضل به شماره شناسنامه ۳۲۴ کد ملی ۴۲۸۲۵۶۱۴۵ شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۸۹.۵ مترمربع از پلاک ۳۲۳ اصلی از مالکیت محمد علی مجلسی ذیل صفحه ۲۷۶ دفتر ۳۱ واقع شنده حوزه ثبت ملک ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای هیئت صادر گردیده. نوع کاربری ملک مسکونی می باشد. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۵۸۴۷ نوبت اول: ۱۰ تیرماه ۱۴۰۴ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت دوم)

برابر رای شماره ۱۲۰۰۲۳۰۸/۱۴۰۴ مورخ ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ و رای اصلاحی شماره ۵۲۳۵/۱۴۰۴ مورخ ۲۵ خرداد ۱۴۰۴ جلسه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم ملکه حافظی فرزند نوروز علی به شماره شناسنامه ۱۲۵۲۴ صادره تهران در شش‌دانگ یک قطعه باغ پلاک ۹۲ اصلی به مساحت ۱۰۳۱.۵۷ مترمربع از سهمی حسینعلی اشرافی برابر سند شماره ۳۵۲۱۵ مورخ ۶ شهریور ۹۲ ذیل ثبت صفحه ۴۶۱ و ۱۲۵ دفتر ۴۴ محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیرالانتشار و محلی همزمان در یک تاریخ چاپ و آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از رسید، ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض در خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۵۷۶۲ نوبت اول: ۱۰ تیرماه ۱۴۰۴ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت دوم)

برابر آرای شماره ۵۵۶۳/۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۴ و ۵۵۶۴/۱۴۰۴ مورخ ۲۱ خرداد ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان آقای عبدالله عباسی به شناسنامه شماره ۳۱۸ کد ملی ۶۳۶۹۶۷۰۱۹۹ فرزند خداوردی و خانم فرزانه رحمان به شناسنامه شماره ۱۴۲۹ مورخ ۱۴۲۹/۰۴/۲۱ کد ملی ۵۹۲۹۷۸۰۰۰ فرزند بهرام هر کدام نسبت به سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۴۹۰.۸۳ مترمربع از مالکیت سید میرزا حسینی پلاک ۳۲۲ اصلی واقع در آجین دوجین حوزه ثبت ساوجبلاغ را با توجه به نامه شماره ۱۸۱۱۶/۰۴ مورخ ۲۱/۰۴/۱۴۰۴ اداره جهاد کشاورزی ساوجبلاغ که اعلام نموده صدور سند شش‌دانگ به صورت عرصه و اعیان (بدون درج ساختمان) با ذکر عبارت کاربری اراضی موضوع این سند کشاورزی بوده و هرگونه تغییر کاربری و نقل و انتقال بدون مجوز مدیریت جهاد کشاورزی ممنوع میباشد تأیید و صادر گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. توسط شعبه پایگانی جهت مورد ثبت پلاک ۱۳۰۷ فرعی از ۳۲۲ اصلی منظور گردیده است. ۱۹۵۸۴۷ نوبت اول: ۱۰ تیرماه ۱۴۰۴ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای اصلاحی شماره ۵۷۰۱۵۱۹/۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۴ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین موصول فرزند احمد بشماره شناسنامه ۱۶۸۰ صادره از کرج در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۹۴ مترمربع از پلاک ۸۹ فرعی از ۶ اصلی واقع در کرج - محمدشهر - عباس آباد - خیابان ۲۲ بهمین روبروی کوچه شهید الهیاری خریداری از مالک رسمی آقای حسین حدادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در یک نوبت به آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۱۵ روز اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۶۵۰۲

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج



سرمربی مشهور پرتغالی هدایت تیم ملی فوتبال عمان را بر عهده گرفت تا این تیم را در پلی‌آف جام جهانی ۲۰۲۶ رهبری کند. فدراسیون فوتبال عمان، از سرمربی جدید تیم ملی این کشور رونمایی کرد. یاروسلاو سیلهاوی سرمربی اهل جمهوری چک شهرپور گذشته پس از کسب نتایج ضعیف در راه انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ از کار برکنار شد و رشید جابر به صورت موقت هدایت تیم ملی عمان را بر عهده گرفت. فدراسیون فوتبال عمان پس از مذاکره با گزینه‌های مختلف، سرانجام امشب به صورت رسمی از انتخاب کارلوس کی‌روش، سرمربی مشهور پرتغالی به عنوان سرمربی جدید تیم ملی این کشور خبر داد. عمان سومین تیم ملی آسیایی است که کی‌روش هدایت آن را برعهده می‌گیرد. این سرمربی پرتغالی پیش از هدایت عمان، هدایت تیم ملی کشورمان و در یک دوره تیم ملی قطر را بر عهده داشت.

خارج از گود

آنچه در جام باشگاه‌های جهان گذشت؛

مارسکا، آبی‌پوشی بی‌ادعا



الهلال و افق روشن

برای آسیا به دو جهت قدرتمند شدن الهلال و درخشش در جام باشگاه‌های جهان مهم و تاثیرگذار بود. الهلال که به عنوان نماینده نخست قاره کهن در مرحله گروهی دست به کار بزرگی زده و به عنوان تیم دوم راهی یک‌هشتم نهایی شده بود، اعتبار ویژه‌ای به فوتبال باشگاهی آسیا بخشیده و البته حضور تیمی همچون الهلال می‌تواند در بلندمدت به نفع فوتبال آسیا باشد. رویارویی نمایندگان کشورهای آسیایی با این تیم به خصوص نمایندگان شایسته ایران از طرفی عیار آنان را نسبت به فوتبال دنیا مشخص کرده و از طرف دیگر موجب رشد آنان خواهد شد. در حقیقت الهلال افق روشن فوتبال را برای خود و آسیا توانمند روشن نگه داشته است.

بار دیگر فغانی

هرچند علیرضا فغانی در لیست داوران استرالیا قرار داشته و به عنوان نماینده این کشور در مسابقات جام باشگاه‌های جهان شرکت کرده بود اما او یک ایرانی است و پرچم ایران را به جهانیان نشان می‌دهد. با این حال بار دیگر فغانی شایستگی‌هایی آشکار خود و پتانسیل پنهان جامعه دوری ایران را به رخ کشید و فینال این دوره را قضاوت کرد. عملکرد کم نقص و آرامش مثال‌زدنی او در این دیدار نشان از پختگی وی داشته و این داور کاشمیری تبار در حال حاضر بهترین داور فوتبال محسوب می‌گردد.

حواشی مسابقات

وجود حواشی مسلما در هر تورنمنتی غیرقابل انکار است. با این حال نباید به میزبانی آمریکا نمره چندان خوبی درخصوص برگزاری اولین دوره جام باشگاه‌های جهان با فرمت جدید داد. با این حال از حواشی جذاب این رقابت‌ها باید به چهره بهت زده ناصر الخلیفی مالک پاری سن ژرمن در پایان بازی فینال و عصبانیت خارج از حد لوئیس انریکه بعد از سوت پایان دیدار پایانی جام اشاره کنیم. از طرفی کسب دستکش طلایی جام جهانی باشگاه‌ها توسط رابرت سانچز دروازه‌بان چلسی که در فینال درخشش فوق‌العاده‌ای داشت به همراه لیخند رضایت بهداد اقبالی، میلیاردر ایرانی، مالک بخش عمده سهام چلسی و مدیرعامل شرکت کلیرلیک کپیتال از نکات ویژه جام به خصوص فینال این دوره بود.

حسن صنعی‌پور

جام باشگاه‌های فوتبال جهان در فرمتی جدید، در کشور آمریکا و با حضور سی و دو تیم از قاره‌های مختلف دنیا آغاز و با قهرمانی چلسی به پایان رسید. آغازی پرحاشیه که پایان آن را کمترین علاقمندی می‌توانست پیش‌بینی نماید. حضور چند باشگاه بزرگ دنیا از جمله رئال مادرید، بایرن مونیخ، اینترمیلان و منچسترسیتی در این دوره کافی بود تا سطح کیفی آن را ارتقاء بخشیده و البته حدس و گمان‌ها و نظرسنجی‌های مختلف، حکم به قهرمانی یکی از این غول‌های فوتبال جهان داده بود. در این بین پاری سن ژرمن با قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا حساب ویژه‌ای برای رسیدن به قهرمانی بازکرده بود و تیم‌هایی چون الهلال عربستان و یوونتوس و حتی فلومیننزه نیز برای خود شانس قهرمانی تصور کرده بودند. در ادامه نگاهی به آنچه در این جام در تعطیلات تابستانی فوتبال جهان رقم خورد، خواهیم انداخت؛

قهرمانی لاک‌پشتی چلسی

باشگاه چلسی پس از اتمام محرومیت خود، تصمیم گرفت اعتماد به جوانان را جایگزین خریدهای بزرگ نماید. «حضور فوق‌العاده کول پالمربست و سه ساله را می‌توان گواه این مدعا دانست». با این حال چلسی جام را با برد آغاز کرده و بعد از باخت سنگین برابر فلامینگو شرایط را برای خود سخت کرد. شاگردان انزو مارسکا که تجربه هدایت باشگاه‌های بزرگ را در کارنامه ندارد، با حفظ تمرکز خود و در حالی که مسیر تقریباً مناسبی برای صعود داشتند، با شکست اسپرسان راهی مرحله حذفی شدند. آبی‌پوشان لندن در مرحله یک‌هشتم نهایی بنفیکا پرتغال را شکست داده و سپس با گذشتن از سد پالمیراس که تیمی به مراتب آسان‌تر از دیگر تیم‌های حاضر در این مرحله بود، خود را در بین چهار تیم برتر جام دیدند. چلسی حتی در مرحله نیمه نهایی جام نیز خوش شانس بود که به مصاف فلومیننزه رفته و در دیداری نزدیک موفق به شکست آن تیم شد تا راهی فینال شود. فینالی که برخلاف انتظارات و برخلاف آمارهای بدست آمده از این دیدار با طوفان چهل دقیقه‌ای چلسی همراه شد و در ادامه و در نیمه دوم با کنترل فوق‌العاده بازی یاران مارسکا همراه گردید تا پی اس جی در میان نابابوری از جام دور شود. حرکت لاک‌پشتی چلسی که با درخشش جوانان این تیم همراه شده بود، جامی را از قلب آمریکا به لندن برد که بزرگان زیادی در صدد کسب آن بودند. نکته ظریف در مورد ترکیب چلسی حضور ژواو پدرو بازنیک تازه‌وارد چلسی است که پیش از این در بازی مقابل فلومیننزه هم ستاره اصلی این تیم بود و در فینال هم برای چلسی گلزنی کرد.

پی اس جی بیش از حد مطمئن بود

شاگردان انریکه آنگاه که بزرگترین جام قهرمانی فوتبال دنیا را از آن خود کردند و در فینال اینترمیلان را تحقیر نمودند و همچنین در جریان جام باشگاه‌های جهان بایرن مونیخ را حذف و رئال مادرید را همچون اینترمیلان گلباران کردند، با اطمینان بیش از حد در

۱۴ ماه بلا تکلیفی هیأت بدنسازی تهران!

وحیدرجبی

هیأت بدنسازی تهران با خیل عظیمی از جامعه مخاطب در رشته بدنسازی، همچنان بلا تکلیف به حال خود رها شده و مشخص نیست چرا برگزاری یک انتخابات ساده تا این حد برای مسئولان ورزش تهران پیچیده شده است؟

طی ۱۴ ماه اخیر چند مرتبه مدت سرپرستی هیأت بدنسازی تهران به پایان رسیده و شاهد تغییر و تحولات در این هیأت بوده ایم اما با این وجود تاکنون انتخابات آن به سرانجام نرسیده و دلایل مشخصی برای این اقدام از سوی مسئولان اداره کل ورزش تهران و فدراسیون بدنسازی اعلام نشده است.

پس از کش و قوس هاس فراوان و پس از تایید صلاحیت ۱۵ نفر برای حضور در انتخابات، برگزاری آن لغو شد و بنا بود ۲۸ تیر این انتخابات برگزار شود اما باز هم زمزمه‌هایی مبنی بر لغو انتخابات هیأت بدنسازی تهران به گوش می‌رسد با توجه به حواشی زیاد هیأت بدنسازی تهران طی سال‌های اخیر و ورود افرادی غیر مرتبط با این رشته، انتظار می‌رود هر چه سریعتر انتخابات این هیأت برگزار شود تا ضمن پایان بلا تکلیفی و شرایط ناخوشایند این هیأت، در نهایت با رای اعضای مجمع فردی دلسوز از جامعه بدنسازی ریاست این هیأت را بر عهده بگیرد.

پس از برکناری رئیس سابق هیأت بدنسازی تهران، این هیأت از ۲۲ اردیبهشت سال گذشته توسط سرپرست اداره می‌شود و با وجود گذشت ۱۴ ماه هنوز انتخابات این هیأت برگزار نشده است!

در این مدت بسیاری از ورزشکاران و مربیان با پرداخت هزینه‌های زیاد در دوره‌های مختلف هیأت بدنسازی تهران شرکت کرده‌اند اما شنیده می‌شود مدارک بسیاری از آن‌ها هنوز صادر نشده یا اینکه دوره‌ها معلق شده‌اند. البته این موضوع فقط شامل هیأت بدنسازی تهران نیست چرا که انتخابات فدراسیون بدنسازی نیز که قرار بود ۱۱ تیر برگزار شود و همه چیز مهبلی برگزاری انتخابات بود به یکباره لغو شد و بار دیگر برای این فدراسیون سرپرست جدید انتخاب شد!

پیاتراکمک بزرگی به والیبالی ایران است

قطر پاسور تیم ملی والیبالی ایران، گفت: این فصل از لیگ ملت‌ها با حضور پیاترا برایمان اهمیت زیادی دارد، چون می‌توانیم در مسابقات شرف‌گام‌های زیادی برداریم.

مسابقات هفته سوم در گروه هفتم لیگ ملت‌های والیبالی امروز با حضور شش تیم لهستان، ایران، کوبا، فرانسه، چین و کوبا در گدانسک لهستان آغاز خواهد شد.

نشست خبری این مسابقات امروز (سه‌شنبه ۲۴ تیر) در هتل مرکوری با حضور یک بازیکن از هر تیم شرکت‌کننده و همچنین سرمربی تیم میزبان برگزار شد.

امین اسماعیل‌نژاد در این نشست در پاسخ به سوالی مبنی بر این که در لهستان به‌صورت حرفه‌ای بازی کردی، این تجربه برای تو به چه صورت بود؟ اظهار داشت: اولین فصل من در پلاس لیگا بود و به‌نظم تجربه‌ای فوق‌العاده و شگفت‌انگیز برای بود. همان‌طور که دوستم (آکس گروزدانوف) هم گفت، تمام هواداران اینجا دیوانه‌وار عاشق والیبالی هستند و به‌نظم هر مسابقه‌ای برای آن‌ها اهمیت دارد. واقعا از بازی در اینجا لذت می‌برم.

اسماعیل‌نژاد درباره عملکرد تیم ملی والیبالی ایران در دو هفته لیگ ملت‌ها با چهار پیروزی و این که تیم ایران در رقابت با تیم‌های دیگر برای رسیدن به فینال قرار دارد و چه پیشرفت‌هایی را نسبت به سال‌های گذشته و حتی در همین فصل مشاهده کرده‌اید؟ تصریح کرد: تیم ایران بازیکنان بسیار جوانی در اختیار دارد. فکر می‌کنم این فصل با حضور پیاترا برایمان اهمیت زیادی دارد، چون می‌توانیم در مسیر پیشرفت گام‌های زیادی برداریم. او کمک بزرگی است. یادآوری می‌کنم که تیم ایران بازیکنان جوانی دارد و به‌نظم می‌توانیم در آینده بهتر از این هم عمل کنیم.



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ چاپ: کهن

■ شماره: ۳۴۴۹۹۲۵۵

■ تلفن: ۶

■ واحد: ۲

■ طبقه: ۱

■ پلاک: ۱

■ کوچه: میثم

■ بلوار: جمهوری شمالی

■ کرج

■ نشانی:

■ کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۵۳

نوشیدنی‌های مفید

فصل تابستان

در فصل گرما نوشیدن شربت باعث جبران تعریق و حفظ متعادل دمای بدن می‌شود، بنابر این مصرف نوشیدنی‌های مفید برای حفظ تعادل آب و الکترولیت‌ها لازم است.



چای علف لیمو

این نوشیدنی که عطر و بوی مرکبات دارد، استرس و سطح کلسترول را کاهش می‌دهد و گردش خون را بهبود می‌دهد.



نوشیدنی نعنا

نوشیدنی نعنا فلفلی یا نعنا به همراه چند تکه یخ نوشیدنی خنک‌کننده و نشاط‌انگیز برای هوای گرم تابستان است.



خاکشیر

وقتی خاکشیر با آب و گلاب مخلوط و کمی شکر هم به آن اضافه شود، هم خوش مزه خواهد بود و هم لعاب آن منبعی برای آب بدن است.



چای ترش

این چای با بالا بردن تعریق دمای بدن را کاهش می‌دهد که موجب خنک شدن می‌شود و برای فصل تابستان بسیار مفید است.



شربت بیدمشک

شربت بیدمشک، دارای ویتامین‌های مختلف و املاح معدنی بسیار است که برای بدن بسیار مفید می‌باشد.



شربت آبلیمو

شربت آبلیمو جلوی گرم‌زدگی و عطش را می‌گیرد و مصرف آن در ماه‌های گرم و در مسافرت‌ها بسیار مناسب است.

